



## متن کامل صحبت تلفونی تره کی با کاسگین ۱۱ ماه بعد از کودتای ۷ ثور

۲۷ اپریل ۲۰۱۵

هفت ثور ۱۳۵۷ (۲۸ اپریل ۱۹۷۸) روز سپاه فراموش ناشدنی در تاریخ معاصر کشور و روز بر افروخته شدن آتش خانمانسوزیست که طی سه و نیم دهه اخیر، آلام بی پایانی را برای مردم رنجیده افغانستان به بار آورد. فاجعه شش جدی، سانحه هشت ثور، وحشت طالبانی و مافیا سالاری ۱۴ سال اخیر، همه و همه را میتوان پیامدهای شوم کودتای ننگین هفت ثور نامید. حزب کودتاچی "دموکراتیک خلق افغانستان" با کودتای نظامی هفت ثور ثبات سیاسی را که ملت بعد از تحمل چند دهه اختناق و خونریزی بدست آورده بود، بخاطر جاه طلبی و مزدورمنشی، در پیش پای اتحاد شوروی قربان نمود. این آغاز فاجعه بزرگی بود که مردم ما آنرا باقیام خودجوش خود پاسخ گفتند. اینقیام ها با سرکوب خونین توسط حکومت حزب دموکراتیک خلق و روبرو گردید ولی این سرکوبها بخشهای بیشتر مردم را علیه حکام خونریز بسیج میکرد. حاکمیت کودتایی که از نداشتن پشتوانه توده ای رنج میبرد، فکر میکرد با توزیع خشونتبار و عجولانه زمین برای دهاقین ایکه از لحاظ فکری آماده گرفتن زمین نبودند، برای خود پشتوانه مردمی خلق میکند، درحالیکه همین اقدام هم بعلاوه زیاد بی موقع بود و به فاصله بزرگی که بین مردم و دولت وجود داشت، افزود. جمهوری کودتایی "دموکراتیک خلق" ۱۱ ماه بعد از کسب خونین قدرت، در محاصره قیامهای خودجوش مردم، قرار گرفته و آهسته، آهسته بخصوص در جریان قیام بزرگ هرات (مارچ ۱۹۷۹)، و قیام پلان شده نظامیان جلال آباد (۳۱ مارچ ۱۹۷۹) موجودیت خود را در معرض خطر جدی میدید. در همچو لحظات رهبران حزب و دولت طرح جدیدی را به روسها پیشکش کردند. نورمحمد تره کی رییس حزب و دولت وقت در جریان یک صحبت تلفونی خواستار آن شد که روسها بر علاوه اسلحه و مهمات، پرسونل نظامی خویش را هم برای دفاع از حاکمیت حزب "دموکراتیک خلق" به افغانستان بفرستند. متن این صحبت تلفونی را جنرال بوریس گروموف در آغاز کتاب (ارتش سرخ در افغانستان) از اسناد سری بخش خاص دولت شوروی وقت، در صفحات کتاب خویش اقتباس نموده است. در صفحه ۱۷ الی ۲۴ ترجمه این کتاب (توسط عزیزآریانفر) متن کامل این صحبت تلفونی را چنین میخوانیم:

((خیلی سری، بخش خاص))  
گفتگوی تلفونی بکمک مترجم

کاسیگین: به رفیق تره کی بگو بید که من میخواهم از سوی رفیق برژنف و اعضای دفتر سیاسی به وی دروهای فراوان بفرستم.  
تره کی: بسیار سپاسگزارم.  
کاسیگین: سلامت باشید رفیق تره کی. بسیار مانده نباشید.  
تره کی: نه من خسته نمیشوم. امروز جلسه شورای انقلابی بود.  
کاسیگین: بسیار خوبست. خیلی شادمانم. رفیق تره کی ممکنست اوضاع افغانستان را شرح دهید؟  
تره کی: اوضاع خوب نیست. روبه خرابی دارد. طی یک و نیم ماه گذشته از سوی ایران نزدیک به دوهزار نفر نظامی با لباس غیرنظامی به افغانستان اعزام شده اند. حالا تمام فرقه ۱۷ پیاده بر علاوه واحد های توپخانه و دفاع هوا که بالای طیارات ما فیر میکنند، در دست آنان است. در شهر جنگ در جریان است.  
کاسیگین: تعداد افراد فرقه چند است؟  
تره کی: نزدیک به ۵۰۰۰ نفر. کلیه مهمات و انبارها در دست آنان است.  
کاسیگین: آنجا برای شما چند نفر مانده است؟  
تره کی: ۵۰۰ نفر. آنها تحت رهبری قوماندان فرقه در میدان هوایی شهر مستقر اند. برای تقویت آنان، ما با طیارات از کابل گروه عملیاتی پیاده نموده ایم. این گروه از صبح امروز در آنجا قرار دارد.  
کاسیگین: در میان کارگران، شهرنشینان و کارمندان، آیا کسانی هستند که از شما پشتیبانی کنند؟  
تره کی: پشتیبانی فعال از سوی مردم شهر دیده نمیشود. مردم کاملاً زیر تاثیر شعارهای شعیان مانند: (سخنان بیخدایان را باور نکنید و بسوی ما بیاوید) قرار گرفته اند. تبلیغات بر این پایه مبتنی است.

کاسیگین: نفوس هرات چند است؟  
تره کی: حدود ۲۰۰ تا ۲۵۰ هزار نفر. مردم با در نظر داشت تحول اوضاع حرکت میکنند. هر جا که آنانرا بکشاند، به همانجا میروند. حالا آنها از جانب مقابل پشتیبانی میکنند.

کاسیگین: کارگران آنجا زیادند؟  
تره کی: بسیار کم. رویهمرفته ۱ الی ۲ هزار نفر.

کاسیگین: شما دورنمای اوضاع هرات را چگونه میبینید؟  
تره کی: ما معتقد هستیم که مخالفان واحد های تازه را تشکیل داده به پیشروی ادامه خواهند داد .

کاسیگین: شما نیروندارید که آنها را شکست بدهید؟  
تره کی: کاش می داشتیم.

کاسیگین: شما در رابطه به این مسئله چه پیشنهادهایی دارید؟  
تره کی: ما خواهش میکنیم که شما به ما کمکهای عملی، انسانی و تسلیحاتی کنید.

کاسیگین: این مسئله خیلی دشوار است.  
تره کی: در غیر این صورت شورشیان بسوی قندهار حرکت کرده و پس از آن بسوی کابل خواهند آمد. افغانهای که به پاکستان گریخته اند، هم خواهند آمد. ایران و پاکستان روی یک برنامه بر ضد ما عمل میکنند و به همین خاطر اگر شما حالا به هرات یک ضربه کاری وارد بیاورید، ممکنست انقلاب را نجات بدهیم.

کاسیگین: جهانیان همه ازین کار آگاه خواهندشد. شورشیان دستگاه های مخابره دارند، آنها فوراً اطلاع خواهند داد .  
تره کی: تمنا میکنم کمک کنید.

کاسیگین: ما باید در باره این مسئله مشورت کنیم .  
تره کی: تا شما مشورت کنید، هرات سقوط خواهد کرد. و آنگاه در دسرهای بزرگتری هم برای اتحاد شوروی وهم برای افغانستان به بار خواهد آمد .

کاسیگین: حالا ممکنست شما بگوئید که چه پیشگویی هایی درباره پاکستان و بعدهم جداگانه برای ایران دارید؟ شما با نیرو های مترقی و پیشاهنگ ایران رابطه ندارید؟ شما نمیتوانید به آنان بگوئید که حالا مهمترین دشمن شما ایالات متحده است. ایرانیان خیلی از امریکا خشمگینند. در بعد تبلیغاتی ممکنست این عامل را بکار گرفت .

تره کی: ما امروز اعلامیه ای بر ضد دولت ایران از طریق رادیو پخش کردیم وخاطر نشان کردیم که ایران در امور داخلی افغانستان در هرات مداخله میکند.

کاسیگین: شما لازم نمی بینید که اعلامیه ای هم بر علیه پاکستان پخش کنید؟  
تره کی: فردا یا پس فردا اعلامیه مشابه ای هم بر ضد پاکستان پخش خواهیم کرد .

کاسیگین: شما به ارتش خود امیدوار هستید؟ درجه وفاداری آن در کدام سطح است؟ شما نمیتوانید نیروهای نظامی را گرد بیاورید که به هرات یورش ببرند؟  
تره کی: ما فکر میکنیم که ارتش مطمئن است. اما نمیتوانیم نیروها را از شهرهای دیگر بسوی هرات سوق بدهیم، زیرا این کار موقعیت ما را در آن شهرها لرزان خواهد کرد.

کاسیگین: هرگاه ما به شما سریعاً تعداد بیشتر طیارات وجنگ افزار بفرستیم، شما نمیتوانید، واحد های تازه ای را آرایش بدهید؟  
تره کی: این کار زمان زیادی را در برمیگیرد، اما هرات از دست میرود.

کاسیگین: شما فکر میکنید که در صورت سقوط هرات، پاکستان دست به اعمال مشابهی از مرزهای خود خواهد زد؟  
تره کی: احتمال اینکار بسیار است. روحیه پاکستانی ها، پس از این تقویت خواهدشد. امریکاییها به آنان کمکهای لازم را خواهند کرد. پس از سقوط هرات، پاکستانیها هم سربازان خود را با لباس غیر نظامی خواهند فرستاد تا شهرها را بگیرند و ایرانیان به مداخلات فالتتری دست خواهند زد. پیروزی در هرات کلید حل بقیه مسایل افغانستان است .

کاسیگین: شما چه عملکردها و اعلامیه هایی را از ما توقع دارید؟ دیدگاه های شما درباره این مسئله در عرصه تبلیغات چگونه است؟  
تره کی: باید کمکهای تبلیغاتی و عملی را باهم توأم ساخت. من پیشنهاد میکنم تا شما بزودی به تانکها و هوایماهای خود اعلام افغانی بزنید. هیچ کسی چیزی نخواهد دانست. نیروها را باید از جانب تورغندی وکابل به هرات سوق داد .

کاسیگین: تا کابل باید راه پیمود.  
تره کی: تورغندی به هرات خیلی نزدیک است. اما میتوانید سربازان را با هوا پیمایا به کابل بفرستید و آنها از کابل به هرات فرستاده شوند، به عقیده ما هیچ کسی نخواهد دانست. همه فکر خواهند کرد که آنها سربازان دولتی افغانی اند.

کاسیگین: نمیخواهم شما را متأثر بسازم، اما اینکار پنهان نخواهد ماند. پس از ۲ ساعت همه جهان از آن آگاه خواهد شد. همه فریاد خواهند زد که تهاجم شوروی به افغانستان آغازگردیده است. رفیق تره کی، بگوئید، هرگاه ما با طیاره اسلحه شامل زره پوش به کابل بفرستیم، آیا شما تانکیست خواهید یافت یا نه؟  
تره کی: به تعداد خیلی کم.

کاسیگین: چند نفر؟

تره کی: دقیق نمیتوانم بگویم .  
کاسیگین: هرگاه ما با طبا رات برای شما سریعاً زر هپوش، آوان مهمات لازمی بفرستیم، شما متخصصانی که بتوانند این سلاحها را استعمال کنند، پیدا خواهید توانست؟  
تره کی: من به این سوال نمیتوانم پاسخ دهم. تنها مشاورین شوروی میتوانند پاسخ دهند .  
کاسیگین: یعنی میتوان چنین دانست که افغانستان کادرهای مجرب نظامی یا ندارد یا بسیار کم دارد. اما در اتحاد شوروی صدها افسر افغانی دوره های آمادگی را گذرانده اند. این همه افسر کجایند؟  
تره کی: بیشتر شان مسلمانان ارتجاعی اند، به آنها نمیتوانیم تکیه کنیم ، به آنها اعتماد نداریم.  
کاسیگین: نفوس کابل حالا چند نفر است؟  
تره کی: نزدیک به یک میلیون نفر.  
کاسیگین: هرگاه برای شما سریعاً با هوا پیما اسلحه بفرستیم، شما نمیتوانید پنجاه هزار سرباز دیگر گرد بیاورید؟ چند نفر را میتوانید جمع کنید؟  
تره کی: ما میتوانیم تعدادی را جمع کنیم. در قدم اول از میان جوانان، ولی برای آنکه آنانرا آموزش بدهیم، زمان زیادی لازمست .  
کاسیگین: شما نمیتوانید محصلین را جمع کنید؟  
تره کی: ما میتوانیم در باره محصلین و متعلمین صنوف ۱۱ و ۱۲ مکاتب صحبت کنیم .  
کاسیگین: از طبقه کارگر نمیتوانید جمع کنید؟  
تره کی: طبقه کارگر در افغانستان بسیار کوچک است.  
کاسیگین: دهقانان فقیر چه؟  
تره کی: ما میتوانیم بر متعلمین، محصلین و تعداد کمی هم کارگران حساب کنیم. ولی آموزش آنان داستان درازی دارد. اما هرگاه لازم باشد، ما به هر اقدامی دست خواهیم زد .  
کاسیگین: ما تصمیم گرفته ایم به گونه رایگان، عاجل به شما جنگ افزار بفرستیم و هوا پیما ها و هلیکوپتر های شما را بازسازی کنیم. همچنان تصمیم گرفته شده است که به شما صد هزار تن گندم تحویل داده شود و بهای گاز صادراتی شما را از ۲۱ دالر در برابر هر هزار متر مکعب به ۳۷ دالر بالا ببریم .  
تره کی: خیلی خوب، اما بیانیید در باره هرات صحبت کنیم .  
کاسیگین: بیانیید، شما نمیتوانید حالا چند لشکر از میان پیشگامانی که شما میتوانید به آنها اعتماد کنید، نه تنها در کابل، بلکه در دیگر جا ها هم، تشکیل دهید. اسلحه لازم را ما به شما میدهیم.  
تره کی: ما کادر های افسری نداریم. پاکستان هم افراد و افسران خود را به لباس افغانی می فرستد. چرا اتحاد شوروی نمیتواند از بیکها و ترکمنها را به لباس غیر نظامی بفرستد. هیچکس آنها را نخواهد شناخت.  
کاسیگین: شما دیگر چه میتوانید در باره هرات بگویید؟  
تره کی: ما میخواهیم شما تاجیکها، ازبکها و ترکمنها را برای راندن تانکها نزد ما بفرستید، زیرا کلیه این اقوام در افغانستان شناخته شده هستند. اگر جامعه افغانی بیوشند نشانه های افغانی به آنان زده شود، هیچ کسی نخواهد دانست. به نظر ما این کار بسیار آسان است. نظر به تجربه پاکستان دیده میشود که این کار بسیار آسان است.  
کاسیگین: البته شما مسئله را دست کم میگیرید. این مسئله بسیار پیچیده سیاسی و بین المللی است. ما بار دیگر راجع به آن مشورت میکنیم و به شما پاسخ میدهیم. من فکر میکنم که بر شما لازم خواهد بود که واحد های تازه تشکیل بدهید، زیرا تنها به نیروی اشخاصی که از بیرون می آیند، نمیتوان تکیه زد. شما با توجه به تجربه انقلاب ایران می بینید که چگونه توده ها توانستند امریکایی ها و آنانی را که میکوشیدند خود را نگهدارند ایران بنمایند، از آنجا بیرون بیاندازند. بهر حال با شما چنین قرار میگذاریم: مشورت میکنیم و به شما پاسخ میدهیم. و شما در کشور خود با نظامیان تان و مشاوران ما مشورت کنید. در افغانستان نیروهایی هستند که شما را با به مخاطره انداختن زندگی خود، حمایت کنند و به خاطر شما مبارزه کنند. این نیروها را باید همین حالا مسلح ساخت.  
تره کی: زره پوشها را با هوا پیما بفرستید .  
کاسیگین: شما برای راندن این ماشینها پرسونل دارید؟  
تره کی: برای ۳۰ الی ۳۵ عراده راننده داریم .  
کاسیگین: آنها افراد مطمئنی هستند؟ همراه با ماشینها به سوی مخالفان نخواهند رفت؟ رانندگان ما که زبان شما را نمیدانند .  
تره کی: شما ماشینها را با رانندگانی که زبان ، میدانند بفرستید. تاجیکها و ازبکها هم زبان ما هستند.  
کاسیگین: من چنین پاسخی را از شما انتظار داشتم. ما رفقای شما هستیم و مبارزه مشترکی را به پیش میبریم. از اینرو نباید از همدیگر دور شویم. ما به شما باز هم تلفون خواهیم زد و دیدگاه های خود را به شما خواهیم گفت .  
تره کی: درودها و آرزوهای نیک ما را به رفیق بریژنف و اعضای دفتر سیاسی برسانید .  
کاسیگین: متشکرم. به تمامی رفقایان درود برسانید. برای شما قاطعیت در حل مسایل، اعتماد به نفس و بهروزی آرزو میکنیم. به امید دیدار))

تبصره:

متن صحبت فوق ثبت شده در آرشیف اسناد خاص و محرم اتحاد شوروی را که جنرال بوریس گروموف آخرین افسر سپاه رزمی اتحاد شوروی در افغانستان در صفحات فوق الذکر کتاب خود نشر نموده، سند انکار ناپذیر نکات ذیل است: اول: حزب "دموکراتیک خلق"، برخلاف آنچه خلقی ها و پرچمیها ادعا میکنند، فاقد هرگونه پشتوانه در میان کارگران و دهقانان فقیر بود. حزب مذکور در اردو نیز در اقلیت بود و از اکثریت هراس داشت. تره کی درین صحبت ادعا کرد که صرف بالای محصلین و متعلمین و بخش کوچک از (قشر کوچک) کارگران حساب کرده میتواند. حتی همین ادعایش هم دروغین است. دولت خلقی صرف از پشتیبانی محصلین و متعلمین و کارگران حزبی برخوردار بود. بعد از پخش هر شبنامه، صدها محصل و متعلم بحیث مظنونین این عمل روانه زندان میشدند و سایر محصلین از نا پدید شده مصنفانشان رنج میبردند و ازدیکتاتوری حزب "دموکراتیک خلق" بشدت نفرت داشتند. اما بزور به مارشهای دولتی سوق میشدند.

دوم: اعتماد به نفس این حزب و دولت تحت رهبری اش را قیامهای مردمی طی کمتر از یکسال چنان ضعیف ساخته بود که خود را در معرض سقوط قریب الوقوع میدیدند. فریبکارانه این قیامها را مداخلات ایران و پاکستان نامیده و به قبله آمل خویش، یعنی مسکو مراجعه نموده خواستار تجاوز نظامی روسها به اشکال آشکار و پنهان به افغانستان میشدند. اینکه بیرک کارمل با تضرع قوای روس را به افغانستان فراخواند، بر همگان روشن است. اما تضرع های نورمحمد تره کی (تمنا میکنم کمک کنید- رجوع شود به متن صحبت) نیز با مدارک انکارنا پذیر بطور چون این صحبت تلفونی و صحبت حضوری که دو روز بعد از آن در مسکو بین تره کی و کاسیگین صورت گرفت، ثابت است. واضحست که تره کی بدون رضایت امین به چنین درخواستی نمیتوانست بپردازد. بر اساس مندرجات همان کتاب، کمیته مرکزی ح.ک. اتحاد شوروی تا ۱۷ مارچ (نخستین روزهای قیام هرات) متمایل به اعزام عسکر خود به افغانستان بود ولی با سرکوب بیرحمانه نظامیان پشتیبان قیام هرات توسط قوای اعزامی از قندهار که با بیرق سبز داخل هرات شدند و بمباران طیارات روسی آمده از فراز تورغندی، اوضاع تغییر کرد و کمیته مرکزی بتاريخ ۱۸ مارچ فیصله نمود که منهای سربازان، هر نوع کمک دیگر به افغانستان صورت بگیرد. آنگاه تره کی به مسکو آورده شد و این موضعگیری بتاريخ ۱۹ مارچ به وی حضوری ابلاغ گردید.

سوم: دولت کودتائی که در قوای امنیتی آن ۵۵۰ مشاور و متخصص نظامی روسی وجود داشت (ص ۱۴ همان کتاب)، و این به اصطلاح مشاوران در عمل همه کاره ارگانهای امنیتی بودند (صرف مشاورین شوروی میتوانند پاسخ بدهند- رجوع شود به متن بالا) با اوج گرفتن قیام مردم، بصورت روز افزون در گودال وابستگی همه جانبه به شوروی غرق میگردد. حفیظ الله امین با اعتماد عمیقی که به روسها داشت، فکر میکرد روسها بلاخره حاضر به ارسال قوای نظامی شده اند و طیارات ترانسپورتی قوای کمکی به ویرا در دسامبر ۱۹۷۹ در کابل و قندوز پیاده میکنند. غافل از آنکه زمان استعمال خودش به پایان رسیده بود، و روسها در مرحله تکاملی مداخلات خویش او را از میان برداشته، کارمل و جناح پرچم را بخدمت میگیرند.

چهارم: کودتاگران که علیه مردم خود میجنگیدند، بلاخره پای روسها را به افغانستان کشانند تا "انقلاب" خود را (برگشت ناپذیر) بسازند. این عمل افغانستان را به گره گاه جنگ سرد مبدل نمود. کشورهای رقیب شوروی کوشیدند جنگ خودجوش مردم را تحت رهبری نیروهای خود فروش و وابسته مستقر در پاکستان و ایران در آورند. همین رهبران در فردای سقوط رژیم خلقی-پرچمی در ۸ ثور ۱۳۷۱ بقدرت رسانده شدند و با شهید ساختن شهر کابل و ۷۰۰۰۰۰ باشنده اش، قیامت دیگری را بر سر مردم کابل برپا کردند. از همین رو میتوان گفت که سیاهروز ۸ ثور مولود سیاهروز ۷ ثور است.

### "کمیته حقوق بشر فارو"